

عنوان مقاله:

هستی شناسی صلح بین الملل در بستر فرهنگ مدارا و صلح ایرانی

محل انتشار:

فصلنامه راهبرد، دوره 22، شماره 3 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

امیرھوشنگ میرکوشش

شهرزاد نوری صفا

خلاصه مقاله:

صلح به معنای رایج آن یعنی فقدان جنگ، رویای زیبایی است که بشریت و جامعه بین المللی همواره در مسیر رسیدن به آن تلاش کرده است. صلح و مدارا جایگاه ویژه ای در فرهنگ و ادب ایران زمین دارد. مدارا همان احترام و ارج گذاشتن بر تنوع و اختلاف میان فرهنگ های جهان است. صلح یک آرمان جهانی تلقی می شود و انسان امروز را به زندگی در شرایطی آرام و به دور از تشویش و کشمکش سوق می دهد. از گذشته تا امروز، صلح یک مفهوم مطلق نیست و همانند جنگ، ریشه در نوع جهان بینی ما نسبت به جهان هستی دارد. صلح آفرینی و صلح پژوهی با هدف اقدام برای ایجاد تفاهم و توافق میان گروه های درگیر و شناخت زمینه های برقراری صلح، از دغدغه های ذهنی شاعران و نویسندگان ایران زمین بوده است. در عرصه بین المللی و در ادبیات روابط بین الملل، روش مدارا، با احترام به حقوق بشر همخوانی دارد و انسان ها این حق را دارند که در صلح زندگی کنند و همچنان که هستند، باشند. در این پژوهش ضمن بررسی مفاهیم صلح و صلح بین الملل، مدارا و صلح در فرهنگ ایرانی و در بستری هستی شناختی مورد تحلیل و تبیین قرار می گیرد. فرضیه این پژوهش با واکاوی و بررسی آثار منظوم و منثور ادیبان، شاعران و دانشمندان ایرانی در سده های گذشته، به دنبال نشان دادن گستره درک و جهان بینی آنها از فرهنگ صلح و مدارا فراتر از نژاد، ملیت و مذهب و پاسخ به این پرسش است که صلح و مدارا در فرهنگ و ادب ایران چه جایگاهی در صلح و مدارای جهانی دارد؟ هدف اصلی این پژوهش واکاوی و پالایش فرهنگ صلح و مدارا در ایران و پیوند زدن آن با صلح و مدارای بین المللی است

کلمات کلیدی:

مدارا، صلح، فرهنگ ایرانی، جهان وطنی، هستی شناسی، روابط بین الملل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1349869>

